

نگاهی به کتاب

«مقدمه‌ای بر فلسفه اسلامی معاصر»

مصطفی اسلامی*

مشخصات کتاب

کتاب *مقدمه‌ای بر فلسفه اسلامی معاصر* از جناب آقای دکتر محمد فنائی اشکوری** که در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در ۴۴۸ صفحه منتشر گردیده است.

معرفی کتاب

کتاب *مقدمه‌ای بر فلسفه اسلامی معاصر* دربردارنده مقدمه، دوازده فصل و خاتمه‌ای است که به طور خلاصه گزارشی از آن را ارائه می‌کنیم. غرض مؤلف محترم در این کتاب، معرفی فلسفه اسلامی معاصر و شناساندن برجسته‌ترین چهره‌های آن است. وی نخست نگاهی اجمالی به زندگی و آثار ایشان می‌اندازد، آنگاه به مهم‌ترین ویژگی‌های تفکر فلسفی هر فیلسوف و اهمیت و نقش او اشاره می‌کند. سپس به طرح و تحلیل برخی از نظریات آن فیلسوف مبادرت می‌کند و سرانجام در مواردی وارد نقد و ارزیابی می‌شود.

مؤلف در مقدمه کتاب به نکاتی پیرامون اصل فلسفه، پیدایش فلسفه اسلامی و گسترش آن تا به امروز و وضعیت کنونی فلسفه در جهان اسلام اشاره می‌کند. غرض اصلی مؤلف در این نوشتار، صرف گزارش از دیدگاه فیلسوفان نیست، بلکه هدفش ارائه تصویری از فلسفه اسلامی معاصر و ایجاد زمینه برای رشد اندیشه فلسفی است. از دیدگاه مؤلف پرداختن به فلسفه اسلامی معاصر آثار و فواید چندی دارد، از جمله اینکه این بحث نشان می‌دهد که تفکر فلسفی در جهان اسلام استمرار دارد و نه تنها دوران فلسفه اسلامی به پایان نرسیده است، بلکه این سنت با شور و نشاط بیشتری، در پی گشودن افق‌های جدیدی در اندیشه فلسفی به پیش می‌رود. به علاوه طرح چنین بحثی افق دید فلسفه‌آموزان و فیلسوفان پژوهان را گسترده می‌سازد و آنان را از محصور ماندن در چارچوب‌های محدود و غفلت از تنوع اندیشه فلسفی بازمی‌دارد. با این پژوهش، حجاب معاصرت کنار می‌رود و از مهجور ماندن اندیشه‌ها در میان انبوه بی‌شمار آثار و اندیشه‌های عصر جدید، پیشگیری می‌شود. و در نهایت، آخرین یافته‌های فیلسوفان مسلمان و مسائل فلسفی جاری در اختیار اندیشمندان نسل نو قرار می‌گیرد تا با پیگیری آن مباحث توسط این نسل، کاروان اندیشه با سرعت بیشتری به حرکتش ادامه دهد.

فیلسوفانی که در این کتاب معرفی شده‌اند عبارت‌اند از: امام خمینی علیه السلام، علامه سید محمدحسین طباطبائی، استاد شهید مرتضی مطهری، استاد مهدی حائری یزدی، شهید سید محمدباقر صدر، آیت‌الله محمدتقی جعفری، استاد سید جلال‌الدین آشتیانی، آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی، آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی، آیت‌الله محمدتقی مصباح و سیداحمد فردید و دکتر سیدحسین نصر.

* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

** عضو هیئت علمی گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

فصل اول. امام خمینی علیه السلام

علّامه، او را فیلسوفی اصیل می‌داند که تقلید در سیره فلسفی او جایی ندارد و اگر در مواردی مؤید و هم‌رأی دیگر فیلسوفان می‌شود، برای آن است که او خود با شیوه‌ای مستقل و با طی مسیر منطقی، به همان نتیجه رسیده است.

نویسنده حفظ خلوص تفکر فلسفی و نوآوری‌های علّامه در علوم و معارف اسلامی، به ویژه در عرصه تفسیر قرآن و ابتکارات فراوان فلسفی، از جمله در مباحث علم و ادراک و ادراکات اعتباری را از امتیازات علّامه ذکر می‌کند. مؤلف در ادامه به مهم‌ترین دیدگاه‌های فلسفی علّامه در دو حوزه هستی‌شناسی و علم‌شناسی به نحو مختصر اشاره می‌کند.

فصل سوم. استاد شهید مطهری

مؤلف در فصل سوم به تأثیرگذاری شهید مطهری در فلسفه و نقطه عطف بودن ایشان در تاریخ تفکر اسلامی اشاره دارد. یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفی که شهید مطهری به آن اهتمام داشته و حل‌کننده بسیاری از مشکلات فلسفی است بحث معقولات ثانیه است. معقولات ثانیه از جهت عدم مسبوقیت به حس و خیال و از جهت مقید نشدن به مقوله خاصی با معقولات اولی تفاوت دارند و تقسیم می‌شوند به معقولات ثانیه منطقی؛ یعنی مفاهیمی که احکام مفاهیم ذهنی‌اند و معقولات ثانیه فلسفی؛ یعنی مفاهیمی که احکام موجودات خارجی‌اند. مفاهیم فلسفی احکام عام وجودند و در خارج به نحو وجود رابط تحقق دارند. مؤلف محترم پس از تشریح این بحث در کلام شهید مطهری، به نقد برخی از نکات می‌پردازد. سپس به مواجهه شهید مطهری با فلسفه‌های غربی، به ویژه فلسفه‌های کانت و هگل اشاره می‌کند.

نگارنده پس از پرداختن به زندگی‌نامه، و اشاره به آثار امام علیه السلام، به جامعیت و تبحر ایشان در علوم مختلف اسلامی اذعان می‌کند و یادآور می‌شوند که رساله **طلب و اراده** امام علیه السلام نمونه خوبی برای بیان نحوه تفکر فلسفی امام و شیوه رویارویی او با اندیشه‌های مختلف است.

امام علیه السلام در رساله **طلب و اراده**، پس از ذکر مقدماتی بحث صفات الهی را طرح و اقوال اشاعره و معتزله را در این باب ارزیابی و نقد می‌کند. آنگاه استدلال‌های اشاعره را در غیریت طلب و اراده رد کرده، وارد بحث از اراده الهی و اراده انسانی و نظریه جبر و تفویض می‌شوند.

مفوضه معتقدند که علیّت و فاعلیت خداوند متعال فقط در اصل ایجاد موجودات می‌باشد و پس از ایجاد، خداوند امور انسانی را به خود انسان و عقل او تفویض نموده است. حضرت امام پاسخ می‌دهند که موجود امکانی در صورتی می‌تواند علتی مستقل برای معلولی باشد که بتواند همه راه‌های عدم را برای معلول خود ببندد. اما از آنجا که ممکن در وجودش استقلال ندارد و برای معدوم نبودن نیازمند به واجب است، نمی‌تواند همه راه‌های عدم را بر معلول خود ببندد. سپس امام علیه السلام نظریه امر بین‌الامرین را تبیین می‌کنند به این بیان که موجودات امکانی مؤثرند، لیکن نه به نحو استقلال و فقط ذات باری تعالی است که فاعلیت و علیّت مستقل دارد و در ادامه به شبهاتی که درباره اختیار وارد شده پاسخ می‌دهند.

فصل دوم. علّامه طباطبائی

در فصل دوم، مؤلف محترم پس از سیری بر زندگی و آثار علّامه سید محمدحسین طباطبائی و ابعاد شخصیتی و علمی ایشان به تأثیرگذاری عمیق علّامه در حوزه‌های مختلف تفکر اسلامی اشاره می‌کند. در رویکرد فلسفی

می‌کند. شهید صدر با انتقاد از قاعده «الاتفاق لایکون دائماً ولا اکثریاً» که ارسطوییان با استفاده از آن استقرا را به قیاس برمی‌گردانند و بدین طریق حجیت آن را اثبات می‌کنند، نظریه خود با عنوان مکتب توالد ذاتی را مطرح می‌کند. وی با تقسیم یقین به منطقی، موضوعی و ذاتی، و طرح مبتکرانه مبحث حساب احتمالات، بر آن می‌شود که علاوه بر توالد موضوعی برای معرفت راه دیگری نیز وجود دارد که به آن توالد ذاتی می‌گویند. در پایان این فصل مولف از لوازم و پیامدهای معرفت‌شناختی و دین‌شناختی این نظریه بحث می‌کند.

فصل هفتم. آیت‌الله محمدتقی جعفری

در فصل هفتم نگارنده زندگی، سلوک علمی و دیدگاه‌های فلسفی آیت‌الله محمدتقی جعفری را به بحث می‌گذراند، و دیدگاه کلی ایشان در فلسفه و تقسیمات زمانی، مکتبی و اقلیمی فلسفه را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهند. استاد جعفری در اینجا دو نوع حرکت فکری را معرفی می‌کنند که توسط آن، می‌توان نظام‌های فلسفی را پویا کرد و اصول موضوعی را که مانع پویایی نظام‌های فکری است، از میان برداشت و به تضادهای مخرب فلسفه‌ها پایان داد. در پایان مؤلف دو نمونه از مباحث ابتکاری استاد جعفری در زمینه فلسفه حیات و حیات معقول را به اختصار طرح می‌کند.

فصل هشتم. آیت‌الله حسن‌زاده آملی

فصل هشتم به آیت‌الله حسن‌زاده آملی اختصاص دارد. مؤلف از ایشان به عنوان جامع معقول و منقول یاد می‌کند و به علاقه ایشان به عرفان و فلسفه و بخصوص حکمت متعالیه و نمود آن در بسیاری از آثارشان اشاره دارند. مؤلف از میان مباحث مطرح‌شده توسط استاد حسن‌زاده آملی بحث معرفت نفس و هستی و چیستی آن را انتخاب و تلخیص و تحلیل می‌کند. مؤلف ضمن تقدیر

فصل چهارم. استاد حائری یزدی

در فصل چهارم، مؤلف پس از گذری بر زندگی علمی و ذکر آثار مهدی حائری یزدی به جایگاه وی در فلسفه اسلامی و فلسفه غرب اشاره می‌کند، ویژگی که وی را قادر می‌کند به نحو فنی به مقایسه این دو نظام فلسفی بپردازد، از جمله بررسی برخی از مسائلی که در فلسفه کانت مطرح است. مؤلف سپس یکی از مباحثی که حائری در آثارش به شرح آن پرداخته؛ یعنی مسئله وجود ذهنی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. حائری در این بحث مدعی می‌شود که بحث مطابقت در فلسفه غرب با مشکل مواجه است و حال آنکه در فلسفه اسلامی با طرح مبحث وجود ذهنی این مشکل حل شده است. آن‌گاه مؤلف با طرح پرسش‌هایی برخی از نکات در وجود ذهنی را مورد نقادی قرار می‌دهد.

فصل پنجم. استاد آشتیانی

در فصل پنجم علاوه بر آشنایی با زندگی و آثار سید جلال‌الدین آشتیانی، با مشرب عرفانی و فلسفی وی و نظرش درباره عقل و شرع و اینکه این دو مکمل یکدیگر و دو بال یک پرنده‌اند، آشنا می‌شویم. از آخرین آثار آشتیانی نقد کتاب *تهافت الفلاسفه غزالی* است که در آن علاوه بر ردّ برخی اشکالات غزالی به دفاع از فلسفه در مقابل اخباریان و تفکیکیان پرداخته است. از نظر آشتیانی منشأ بسیاری از مخالفت‌ها با فلسفه، عدم درک درست فلسفه است.

فصل ششم. شهید سید محمدباقر صدر

فصل ششم درباره آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر است که از نظر مؤلف از پیشروان تفکر اسلامی معاصر است که در فهم دین و دنیای جدید یگانه است. پس از معرفی جایگاه علمی شهید صدر مؤلف نظریه ابتکاری شهید صدر در مسئله استقراء را طرح و تحلیل

بودن قضیه استحاله اجتماع نقیضین است؛ قضیه‌ای که همه قضایا به آن وابسته‌اند و در همه احوال و به نحو ضرورت ازلی صادق است. بنابراین سفسطه که انکار هرگونه واقعیت، از جمله همین قضیه است، باطل است. حال که سفسطه به طور مطلق مردود است، پس واقعیت مطلق، ثابت است. این واقعیت امر محدود یا ذهنی نیست، بلکه واقعیت مطلق عینی است.

مؤلف در بحث سوم، کتاب *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی آیت‌الله جوادی آملی* را معرفی، گزارش و تحلیل می‌کنند و نظریه ایشان درباره اسلامی‌سازی علوم را بررسی می‌کنند. از نظر مؤلف چون این موضوع بسیار مهم و حیاتی است و از مباحث روز است، جا دارد مورد توجه اهل نظر واقع شود. مؤلف پس از ارائه دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، پرسش‌ها و تأملاتی را درباره این نظریه طرح می‌کند. برخلاف کسانی که نقد یک نظریه را به معنای رد آن تلقی می‌کنند، از نظر مؤلف بررسی و تجزیه و تحلیل یک نظریه و نقد آن در بسیاری از موارد از جمله در این مورد به معنای اهمیت دادن به یک نظریه و احترام به آن و ترویج آن و کوششی برای تکمیل آن است. در مقابل، مسکوت گذاشتن یک نظریه به مثابه بی‌توجهی و بی‌اهمیت دانستن آن است.

فصل دهم. آیت‌الله مصباح

فصل دهم کتاب درباره جایگاه فلسفی و نقش آیت‌الله محمدتقی مصباح در این زمینه است. مؤلف، آیت‌الله مصباح را در شاخه‌های مختلف فلسفه، همچون مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی، فلسفه سیاست، فلسفه اخلاق و فلسفه دین، صاحب دیدگاه‌های ویژه‌ای می‌داند. از ویژگی‌های فلسفه‌ورزی آیت‌الله مصباح، تحلیل دقیق مفاهیم و واژه‌ها و کوشش در تبیین روشن محل نزاع،

از کوشش‌های علمی استاد حسن‌زاده آملی در استخراج و شرح اجتهادی مباحث معرفت نفس، لزوم نگاه جدید به مسئله نفس با استفاده از دستاوردهای علمی و فلسفی جدید را خاطر نشان می‌شوند.

فصل نهم. آیت‌الله جوادی آملی

فصل نهم درباره شخصیت و اندیشه‌های آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی است. مؤلف سه موضوع از اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی را طرح می‌کند. نخست، ویژگی‌های حکمت متعالیه از نظر ایشان؛ دوم، مبحث مهم وحدت وجود؛ و سوم، رابطه عقل و وحی یا علم و دین. در بحث نخست چهارده ویژگی حکمت متعالیه را از زبان آیت‌الله جوادی آملی بیان می‌کنند. در بحث دوم اساسی‌ترین موضوع عرفان نظری و حکمت متعالیه؛ یعنی بحث وحدت و کثرت وجود را بررسی می‌کنند.

از نظر آیت‌الله جوادی آملی برهان صدیقین به تقریر علامه طباطبائی، که بر هیچ مقدمه نظری استوار نیست، وجود مطلق لابلطراف عرفانی را اثبات می‌کند و می‌تواند به منزله نخستین مسئله فلسفی طرح شود. مؤلف نکاتی را در این باره بیان می‌کند، از جمله اینکه استدلال مزبور تنها به طور ضروری و ازلی وجود واقعی را اثبات می‌کند، اما وجود کثرات و وجودهای مقید و مشروط را نفی نمی‌کند، بلکه نفی وجود آنها به بیان دیگری نیازمند است. همچنین از نظر علامه طباطبائی، این اصل واقعیت همان موضوع فلسفه است. حال اگر موضوع عرفان نیز همین است، پس نباید بین موضوع فلسفه و عرفان فرقی باشد. در حالی که از نظر آیت‌الله جوادی آملی موضوع فلسفه، غیر از موضوع عرفان است.

سپس استدلال آیت‌الله جوادی آملی را برای اثبات وجود مطلق بیان می‌کنند، که مبتنی بر بدیهی و اولی‌الصدق

برای منطق صوری که بر مدار علم حصولی است، جایگاهی قائل نیست. مؤلف نکات انتقادی متعددی را در این زمینه ذکر و پرسش‌هایی را طرح می‌کند. از جمله اینکه آیا اساساً این جدایی بین وجود و موجود درست است؟ آری، از نظر لفظ و مفهوم بین اینها تفاوت هست. اما آیا در خارج و واقع هم وجود و موجود متفاوتند؟ بحث دیگر فردید حکمت تاریخ است. او تاریخ را به ادوار پنجگانه پریروز (امت واحده توحیدی)، دیروز (ظهور استکبار)، امروز (دوره غلبه نیست‌انگاری و طاغوت)، فردا (دوره انتظار آماده‌گر) و پس فردا (شکل‌گیری دوباره امت واحده توحیدی و ظهور امام زمان) تقسیم‌بندی می‌کند. در این زمینه نیز مؤلف نکاتی انتقادی را بیان می‌کند.

فصل دوازدهم. دکتر سیدحسین نصر

مؤلف در آخرین فصل کتاب از سیدحسن نصر سخن می‌گوید. از نظر وی، نصر در شناساندن فلسفه اسلامی، به ویژه فیلسوفان متأخر همچون سهروردی و ملاصدرا به غربیان بسیار مؤثر بوده است. نصر از نمایندگان برجسته سنت‌گرایی است. دو مفهوم «سنت» و «حکمت خالده» در این سنت از اساسی‌ترین مفاهیم هستند. نگارنده پس از بیان عناوینی همچون نصر و حکمت خالده، وحدت ادیان، هنر قدسی از نگاه نصر و نقد تجدد، به بیان تأملاتی درباره برخی از دیدگاه‌های نصر می‌پردازد. از نظر مؤلف، نصر از سویی دل‌بستگی شدید به حکمت و عرفان اسلامی و شیعی دارد و از سوی دیگر، سخت مجذوب سنت‌گرایی جدید و پیشروان آن همچون گنون و شوان است. شاید بسیاری از مشکلات در تفکر نصر ناشی از دشواری جمع بین این دو گرایش است.

تلاش در حفظ خلوص اندیشه و زبان فلسفی و نیامیختن آن با دیگر معارف، نگاه تطبیقی بین فلسفه غرب و اسلامی را اشاره می‌کنند. آیت‌الله مصباح نوآوری‌های بسیاری در مباحث مختلف فلسفی دارند و به باور برخی از صاحب‌نظران در فلسفه اسلامی، ایشان نظام فلسفی ویژه‌ای را پی‌ریزی کرده‌اند.

دو بحث فلسفی که مؤلف از آیت‌الله مصباح می‌آورد، بحث خداشناسی و دیگر بحث فلسفه اخلاق است. در بحث خداشناسی استاد تقریری نو از این بحث ارائه می‌دهند. نخست به این پرسش اشاره می‌شود که آیا واجب‌الوجود همان خداست؟ سپس به براهین اثبات واجب می‌رسند که پس از تبیین چند برهان، برهان ملاصدرا را اکمل براهین می‌دانند که متوقف بر ابطال دور و تسلسل نیست، و تمامی صفات را نیز اثبات می‌کند. در پایان این قسمت به مبحث توحید با شیوه‌ای نو می‌پردازند. مؤلف در بحث از فلسفه اخلاق، آیت‌الله مصباح را به عنوان فیلسوفی نظریه‌پرداز در این زمینه معرفی می‌کند که بررسی مکاتب اخلاقی و تبیین مکتب اخلاقی اسلام را به صورتی نو و ابتکاری ارائه کرده‌اند.

فصل یازدهم. سیداحمد فردید

در فصل یازدهم از سیداحمد فردید و اندیشه‌های او سخن به میان می‌آید. از نظر مؤلف فردید فیلسوفی متفاوت با دیگر متفکران است. مؤلف منابع فکری فردید را چهار چیز می‌داند: ۱. عرفان اسلامی، به ویژه نظریات محیی‌الدین عربی؛ ۲. فلسفه مارتین هایدگر؛ ۳. مبادی اسم‌شناسی یا علم‌الاسماء؛ ۴. قرآن کریم. شاید بتوان گفت که حکمت انسی فردید، بازخوانی تصوف/بن‌عربی با فلسفه هایدگر و اسم‌شناسی فردیدی است. فردید میان وجود و موجود فرق می‌گذارد و علم راستین را تنها علم حضوری می‌داند و

خاتمه و توصیه

در خاتمه این کتاب، مؤلف محترم به وضع عمومی فلسفه در ایران معاصر و برخی تحولات نو، که در فلسفه پژوهی معاصر اسلامی روی داده است، می‌پردازد و مباحثی را ذیل عناوین زیر می‌آورد: کثرت فیلسوفان و تنوع سلاقی و علائق فلسفی؛ معرفی فلسفه اسلامی به دیگر ملل؛ توجه به تاریخ فلسفه؛ مطالعه فلسفه غرب؛ فلسفه تطبیقی یا مقایسه‌ای؛ توجه به دیگر شاخه‌های فلسفه؛ تحول در آموزش فلسفه؛ عمومی شدن فلسفه؛ فارسی‌نگاری؛ فلسفه در خدمت دین؛ گرایش عرفانی فیلسوفان؛ غلبه بر مخالفان فلسفه؛ محوریت حوزه فلسفی قم؛ تداوم سیطره فلسفه صدرایی؛ آینده فلسفه و فلسفه آینده.

ویژگی‌ها و نوآوری‌های کتاب

۱. نگارش یک دوره فشرده تاریخ فلسفه اسلامی معاصر و معرفی استادان برجسته آن، کاری که تاکنون صورت نگرفته بود. فواید و نتایج این کار علمی در پیشبرد فلسفه اسلامی در مقدمه کتاب بیان شده است.

۲. نثر روان و قابل فهم با حفظ استحکام و دقت؛

۳. انتخاب مناسب شخصیت‌ها و مواضع آنها،

بخصوص توجه به ارائه افکار استادان زنده فلسفه؛

۴. انتخاب مناسب مباحثی که تمرکز فیلسوف بر آن

بیشتر بوده است؛

۵. طرح موضوعات متنوع و غیرتکراری و آموزنده

برای دانش‌پژوه فلسفه و نشان دادن غنای فلسفه اسلامی معاصر؛

۶. آشنا نمودن دانش‌پژوهان فلسفه با فضای فلسفی

معاصر و مباحث نو در فلسفه؛

۷. ارائه پیشنهادها راهگشا برای آموزش و گسترش

تفکر عقلانی؛

۸. معرفی جامعی از ویژگی‌های فلسفه اسلامی معاصر

در خاتمه کتاب؛

۹. بررسی تحلیلی و انتقادی بعضی از آراء جدید در

فلسفه اسلامی، از جمله نقد آرائی در بحث معقولات،

نظریه وجود ذهنی، وحدت وجود، اسلامی‌سازی علوم،

نسبت علم و فلسفه، نظریه سنت‌گرایانه نصر، و نظام

فلسفی فردید؛

۱۰. نشان دادن ایران به عنوان محور تفکر فلسفی در

جهان اسلام و حوزه علمیه به عنوان قطب فلسفه اسلامی.

همچنان‌که مؤلف یادآوری می‌کند، این کتاب همه

اندیشه‌های فیلسوفان اسلامی معاصر را عرضه نمی‌کند، اما

با ارائه نمونه‌هایی و تحلیل آنها فضای کلی تفکر فلسفی در

فلسفه اسلامی را نشان می‌دهد و برای نخستین بار سنت

زنده و جاری فلسفی در ایران را که قطب فلسفی عالم

اسلام است عرضه می‌کند که این خود شرط لازم برای

نوآوری و نظریه‌پردازی در عرصه‌های مختلف فلسفی

است. مطالعه این کتاب را به همه علاقه‌مندان به فلسفه، به

ویژه طلاب و دانشجویان این رشته توصیه می‌کنم.